بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا والحمد لله والصلوة والسلام علی رسوله المصطفی
می گوید اضعف عباد الله علی بن حسام الله که مشهور است در میان مردمان بمتقی
الماجد پیش ازین رساله در بیان معرفت راه خدا تعالی و بیان معنی قرب خدا تعالی تالیف کرده
بزبان عربی و نام آن رساله تبیین الطریق نهاده شد و این رساله پارسی ترجمه آن رساله است
برای مبتدیان تالیف کرده شد و نام این رساله سلوک الرجال نهاده شد پس بدان ای طالب
حق هر که راه دینی یا شرعی معلوم باشد یقین است که او هر که محتاج راهبر و رسیدن از
هر کس نشود پس سبب حیرانی و تردد طالبان حق تعالی این است که راه نمی دانند و
پیش مردان و نادان می روند که ما راه خدا تعالی بنمائید پس بدانکه راه قرب حق تعالی
عبادة اوست چنانچه قرآن مجید بدان ناطق است ان الله ربی وربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم
ولیکن باید دانست که عبادة بر دو قسم است فرض و نفل و فرض بر دو نوع است امتثالی و
اجتنابی و نفل نیز بر دو نوع است امتثالی و اجتنابی و این عبادة نفل نیز طریقه قریب
حق تعالی است بعد فرائض چنانچه فرائض و دلیل بر قرب نوافل بعد فرائض حدیث مشهور است
ان الله تعالی قال من عاد ولیا فقد آذنته بالحرب وما تقرب الی عبدی بشیء احب الی الا
بما افترضت علیه ومایزال عبدی یتقرب الی بالنوافل حتی احبه تا آخر حدیث مطلب عبادت
فرض موجب سبب نوافل می شود و بغیر نوافل سبب نجاة می شود یعنی اگر کسی نیت
نماز فریضه کرد و قراة را در قیام مقدار جواز صلوة خواند یعنی سه آیة کوتاه یا یک آیة دراز

ودر

ودر رکوع مقدار یک تسبیح قرار گرفت ودر سجود همان مقدار آرام کرد و در قعده مقدار التشهد نشست
وسلام داد پس این نماز او را ناجی شد از عذاب دوزخ و ثابت کرد دخول بهشت اما قرب
و درجاتی که از فرض کامل بنوافل حاصل میشود ازین نماز حاصل نشود پس هر گاه که معلوم شد
که مجرد اداء فرائض بغیر تکمیل آن بنوافل راه نجات است و تکمیل آن بنوافل با عمارت
دیگر اوقات بنوافل راه قرب است پس چاره نیست از بیان اقسام نوافل و افراد آن پس
بدانکه افراد نوافل بسیار است که در شمار نیاید ولیکن منحصر است در دو نوعی که گفته شد
یعنی امتثالی و اجتنابی و معنی امتثالی آنست که فعل او مطلوب باشد چنانچه
فعل سنت و مستحب و ادب و اتیان افضل و مراد از اجتنابی آن است که ترک او
مطلوب است چنانچه ترک مکروه و ترک چیزی که در او هیچ باک نیست از ترس افتادن
چیزی که در او باک است چنانچه مردی ازن ندارد سیر نخورد و خوشبوی را استعمال نکند
از ترس آنکه مبادا که شهوت غالب شود و بسبب آن در حرام افتد و قول شیخ نجم
الدین کبری رضی الله عنه الطرق الی الله بعدد انفاس المخلوقین او الخلائق اشاره
به بسیاری افراد نوافل چنانچه کلمه لا اله الا الله و نماز نفل و قراة قرآن و استغفار و تسبیح
و دعا و درود بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم و صوم نفل و طواف نفل و صدقه
نفل و حج نفل و عیادة مریض و تشییع جنازه و امر معروف و نهی منکر جائی که نفل است
و درس علوم دینیه و انواع اعانة مسلم که ادنی آن دور کردن خار و خاشاک است از
راه مردم و غیره که در شمار نیاید پس هر کسی بر هر یکی ازین افراد مداومت کند چنانکه
همه وقت خویش بدین نفل امتثالی معمور دارد و از جمیع قسم اجتنابی در ماند مقصود او
از قرب حاصل شود زیراکه حصول قرب باتیان جمیع قسم امتثالی مشروط نیست زیراکه
ممکن نیست اما اجتناب از جمیع منهیات شرط است زیراکه منهی عنه است و اجتناب از آن
ممکن است و کذلک که گفته شود در نوافل مطلق است باعتبار فرد باشد یا باعتبار نوع یعنی

فردی

هر که همه وقت خویش معمور دارد به یکی از این افراد بحیثیتی که انتقال کند از نوعی فرد یا دیگر
از جهت ملالت نفس پس او رعایت ترتیب کرده باشد باعتبار نوع عباده و هر که مداومت
کند بر فردی واحد بغیر انتقال او سوی فردی دیگر پس او رعایة کرده باشد باعتبار فرد
پس هر که گوید راههای خدا تعالی بعدد ... یا گوید راه خدا تعالی یکی است هر دو راست باشند
برین اعتبار اما اختیار مشایخ رحمهم الله این فرد مخصوص که آن کلمه لا اله الا الله است از
میان افراد دیگر بسیاری است که درین آن منصوص نیست یا آنکه نماز نفل از ذکر زیراکه التعب
و ذکر راه امثال است و باشد که بعضی اعانة مسلم افضل باشد از نماز زیراکه
عمل متعدی است و شک نیست که عمل متعدی افضل است از غیر متعدی دیگر باید دانست
که این قسم اجتنابی تمام کننده ترتیب مقصود از قسم امتثالی و ضرورترست از برائی
مقدم داشتن بر قسم امتثالی اما تمام کننده ترتیب مقصود از آن جهت است که اگر کسی در
همه اوقات در قسم اجتنابی کوشند یعنی از محرمات و مکروهات باز ماند و بعد از ادای فرائض
همه نوافل امتثالی مشغول نشود یعنی بنماز نفل و روزه نفل و اذکار دیگر مشغول نشود مقصود
او از قرب حاصل شود لیکن بعد مدتی دراز و اگر همه اوقات با قسم امتثالی مشغول شود و
مرتکب مکروهی باشد بمقصود تمام نرسد و اگر هر دو قسم را بجا آورد زود بمقصود رسد و مثال او
چون مریض است یعنی برائی صحة مریض دو سبب است یکی استعمال کردن مریض داروهای که
نافع مرض است چنانکه معجونات و اشربه دوم پرهیز کردن او از آن چیزهای که زیان کننده است
مرض را از ترشی و شیرینی و روغن و غیر آن پس اگر مریضی باشد که داروهای نافع بخورد
اما از مضرات پرهیز نکند اغلب آنست که مرض او دفع نشود و اگر از مضرات پرهیز کند
و داروهای نافع نخورد اغلب آنست که مرض او دفع شود اما بعد دیری و اگر هر دو بکند
بزودی دفع شود و قول خدا تعالی ان اکرمکم عند الله اتقیکم نیز اشارت میکند باستقلال
قسم اجتنابی زیراکه ماده لفظ تقوی اندر لغة بر اجتناب مشعر است اگرچه از روی
اصطلاح شرعی امتثال را هم شامل است و آنچه گفته شد که قسم اجتنابی ضرورتر است
برائی مقدم داشتن بر قسم امتثالی پس این از آن جهت است که قاعده کلی است که دفع

حذر

حذر و دورتر از جلب نفع یعنی اجتناب ضرورتر است از آوردن عبادت نفل مثلا کسی که جامه او
پلید شده باشد برتبه که نماز بدان جامه مکروه باشد و این کس را چند ساعت فرصت است که
بعبادتی مشغول باشد پس مشغول شدن این شخص در این ساعت بشستن جامه ضرورتر است
از مشغول شدن او بعبادة نفلی دیگر تا اینجا وسعی راه خدا تعالی گفته شد پس سالک چون
راه رود و بمنزلی رسد که نام آن منزل قرب است یا وصل است پس معنی قرب خدا تعالی بعد
سالک است از غیر خدا تعالی سوال اگر گویی غیر خدا تعالی چه معنی دارد جواب بدانکه آنچه غیر
خدا تعالی است منحصر است در دو چیز یکی مباحات دوم محرمات و مکروهات مباحات چون
آسمان و زمین و کوهها و سنگها و در و دیوار و جمیع اسبابی که بمعیشت آدمی تعلق دارد پس
دور ماندن سالک از سبب محرمات و مکروهات بعد حقیقی است و دور ماندن او از سبب
مباحات بعد مجازی است و ازین بعد ذهول سالک مراد است یعنی غفلت و عدم شعور او
ازین چیزها پس معنی قرب نیز دلالت می کند بر استقلال قسم اجتنابی پس هر گاه که مقرر شد
که راه قرب خدا تعالی بعد فرائض تکثیر عبادة نوافل است باعتبار نوع یا باعتبار فرد چنانکه
گفته شد پس طریق تکثیر علم سالک است حصر است و آن این است که باید دانست که
شغل انسان از دو حال خالی نیست یا فعل عبادة و هر یکی ازین دو حال از دو صفت
خالی نیست قلیل الوقوع است یا کثیر الوقوع قلیل الوقوع از جنس عبادات چنانکه حج و زکوة
و جهاد و غیر اینها و قلیل از جنس عادات چنانکه نکاح و طلاق و بیع و شراء و غیر اینها پس
نوافل ازین جنس دانستن طالب ضروری نیست اما جنس که کثیر الوقوع است هم از جنس
عبادات چنانکه نماز و روزه و غیر اینها و از جنس عادات چون خوردن و آب میدن و خواب
کردن و جامه پوشیدن و غیر اینها پس نوافل این هر دو جنس طالب را دانستن ضرور است تا
همه اوقات خود بدین معمور دارد پس کتاب عین العلم یا بعضی مختصرات احیاء العلوم
طالب را کافی است پس این ضابط طالب را کافی است برائی شناختن راه خدا تعالی
و شناختن معنی قرب خدا تعالی اما احتیاج سالک به مرشد و استاد پس این لازم است
در سالک را برای سهل شدن راه و شتاب رسیدن بمقصود و اما سلوک کردن بغیر
استاد و مرشد فی الجمله ممکن است خدا تعالی کسی را که راه نماید چنانکه فرموده والذین

جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ولیکن با رنج و مدتی دراز میسر شود و این چنین نادرست والله
اعلم بالصواب والحمد لله رب العالمین والسلام علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه اجمعین تم تم

بسم الله الرحمن الرحیم بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که گوید علی بن حسام الدین
المشهور بالمتقی که این رساله ایست در علم حقایق و دانستن علم حقایق را شرائط بسیار است
از آن جمله شرط اول آنست که زنده دارد اوقات خود را بعبادات ظاهری یعنی همیشه در ذکر مشغول
باشد چنانکه یک نفس خالی نباشد از یاد حق سبحانه وتعالی چه در خلا و ملا چه در رفتن و چه در نشستن
و چه در خفتن و چه در خوردن شرط دوم آنست که پاک سازد نفس خود را بخلق ستوده و دور شود
از خلق بد و نه خلق بستوده آنست که احسان کند در حق شخصی که با او بدی یا بدی کرده باشد اگر چه بجا
جز شرط سیوم آنست که تواضع نکند غنی را بسبب غناء او خاصة لله باشد پس میرود از دین
او سیوم حصه پس چه باشد حال کسانی که تواضع کنند ظالمان را که ایشان روز و شب دربست
بسته باشند یعنی مخلوق بخوار یا و از یاد حق غافل باشند شرط چهارم زهدست و آن نه زهد آنست
که صرف کنند از اسباب دنیوی که نزد اوست در راه حق تعالی و طلب نکند از امور دنیاوی یا سئل مال
و جاه و ناموس و طمع و ذم چنانکه در نظر او برابر باشد طلا و نقره و سنگ و سفال بلکه حقیقة
زهد کامل آنست که از طلب درجات اخروی نیز بگذرد چنانکه از دنیا فانی بگذشت که الدنیا حرام
علی اهل الآخرة والآخرة حرام علی اهل الدنیا وهما حرامان علی اهل الرحمن شرط پنجم آنست که اعتقاد
نکند چیزی مخالف شرع و اهل سنت و جماعت باشد و محترز باشد از بدعت و فسق و فجور و جهد
کوشش کند طلب علم تفسیر و حدیث و فقه در نزد عالم عامل و نگاه دارد حق ادب آن استاد را
چندانکه تواند شرط ششم توبت اختیار ریاضت آنرا اساس کمال ده قاعده نهاده اند اول توبه دوم زهد
سیوم توکل چهارم قناعت پنجم عزلت ششم ذکر خفی هفتم توجه بجانب حق جل وعلا هشتم صبر نهم
مراقبه دهم رضا است چنانکه حضرت رسالت پناه علیه افضل الصلوة واکمل التحیات میفرماید موتوا
قبل ان تموتوا شرط هفتم آنست که نگاه دارد زبان را از کذب و غیبت و فحش و از ما لا یعنی و از بسیار
سخن گفتن بی ضرورت و شعار خود سازد کم خوردن و کم خفتن شرط هشتم آنست که نگاه دارد دل
خود را از کینه و بغض و حسد و عداوة و تکبر و از وسواس دنیاوی و از نفاق و مکر و حیله نمائی و خوشحالی
و دائم الاوقات دل خود را بخوف و ترس نگاه دارد چنانکه در ساعة مصیبتی و اندوهی تازه بدل
خود راه دهد شرط نهم آنکه اگر حاجتمندی را با او کار افتد خواه آن کار را پیش او کند و خواه
از جائی دیگر باید که در آن خود را اخلاف(?) ندارد تا زمانی که کار حاجتمند ساخته نشود و باید که اهلی همت خود را
بر آن کار که مردم بقدر وسع او ستیفد و بر مقدار دانند صرف نماید و همیشه بتجربه و نفع مردم سعی د

اتم

واتمام نماید شرط دهم آنست که ذکر و عبادت که میکرده باشد آنرا از مردم مخفی و مستور دارد چرا که طاعة
نهانی بی ریاست و طاعت و عبادة خود را بخلق ظاهر کردن خالی از ریا نباشد و بخلق چندان
اختلاط نکند که هیچ کس از حالت او آگاه نگردد بلکه او را از سائر الناس تصور نمایند شرط
یازدهم آنست که ذکر لا اله الا الله که مرکب از نفی و اثبات است بحضور قلب دائم تکرار نماید که در طرف
نفی جمیع محدثات را بنظر عدم و فنا مطالعه نماید و در طرف اثبات وجود معبود بحق را بنظر قدیم
و بقا مشاهده نماید و هرگاه نفس بیرون کشد بجانب نفی متوجه گردد و هرگاه نفس خود را اندرون
کشد بجانب اثبات متوجه باشد و بطریقه تکرار کند که از آن بدل رسد و دل از آن متأثر گردد و در آن
حالة اگر کسی بهلو(?) شی وی یا نشسته باشد باید که از آن آگاه نشود و جمیع اوقات خود را بذکر مستغرق گرداند
که یک لحظه از آن غافل نگردد شرط دوازدهم آنست که لقمه خود را پاک سازد چنانکه در جائی که لقمه
شبهه باشد مرتکب نشود و اگر چه در این ایام بغیر شبهه کم است اما بار یا آنچه تواند ملاحظه کند و طریق
شرع شریف عمل نماید بهترین لقمه آنست که از کسب ید کند و اگر کسب نداند بار یا برسیده
و تحقیق نموده میل نماید و دیگر دائم الاوقات با وضو و طهارت تمسک باشد که حق سبحانه وتعالی
بالکل از دست دارد ان الله یحب التوابین ویحب المتطهرین تم تم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی نواله والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله الامجد میگوید اضعف العباد و خادم
العباد خواجگی درویش وفقه الله لاستعداد المعاد این ضعیف بعضی این رساله در علم
سلوک حقیقت و از اسئلة الاخوان نام کرده ترتیب نداشته و این رساله را بچهار فصل مرتب کرد این بنده
مقصود الصالحین نام نهاده امید از حضرت الوهیت آنست که هر که مطالعه کند علی الحقیقة بحالیه
و بداند که سالک را ازین چهار چیز چاره نیست علم و عمل و اخلاص و شیخ فهرست فصلهای فصل
در بیان علم فصل اول در بیان شیخ فصل در بیان اخلاص فصل در بیان عمل فصل اول در بیان علم
بدانکه اول قدم در این راه علم است که علم اصل است و عمل فرع است شرف اصل راست ولیکن منفعت
ولذة در میوه است اما علم لابدی که از آن چاره نیست آنکه مذکور است سلوک نتواند کرد و این بر دو نوع است
آنست که تعلق بتن دارد چون علم نماز و روزه از نماز همین شرط است که احکام و ارکان بداند
و آن دوازده چیز است شش چیز بیرون از نماز است یکی طهارت از حدث طهارت جامه و جای
ستر عورت و استقبال قبله و وقت شناختن و نیت بستن و شش چیز که درون نماز است تکبیر اول